

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی و فرمانده کل قوادر دیدار گروه کثیری از پرسنل نیروی هوایی - 19 بهمن / 1379

بسم الله الرحمن الرحيم

عزیزان من! خیلی خوش آمدید. ان شاءالله این روز به یادماندنی بر همه آحاد نیروی هوایی و شما حضار محترم مبارك و فرخنده باشد.

خاطره روز نوزدهم بهمن ماه، از آن قبیل خاطره هایی است که کهنه نمی شود. بیست و دو سال از آن خاطره گذشته، اما کهنه نشده است. آن خاطره ها و حادثه هایی کهنه نمی شود که حامل يك پیام باشد؛ و این پیام مخصوص يك دوره نیست؛ مربوط به همیشه است. به تاریخ هم که نگاه کنید، میلیاردها حادثه بزرگ و نیمه بزرگ اتفاق افتاده، ولی امروز هیچ کس از آنها چیزی نمی داند؛ اما بعضی از حوادث هم اتفاق افتاده که هرگز گمان کهنه شدن هم در آنها نمی رود. این حادثه - یعنی آمدن عناصری از نیروی هوایی، از حاشیه ها و از محیطهای دور به مرکز دایره انقلاب - از آن حادثه هاست.

جالب این جاست که این افتخار برای نیروی هوایی - که يك نیروی رزمی است - از راهی جز راه تحرک رزمی به دست آمد. ارتشها معمولاً افتخارات خودشان را در میدانهای کارکرد وسایل رزمی به دست می آورند؛ اما نیروی هوایی ما با يك حرکت عظیم انقلابی، افتخار جداگانه ای را کسب کرد. البته نیروی هوایی ما از جهت رزم و وسایل رزمی هم هیچ کم و کسر ندارد. در دوران دفاع مقدس و قبل و بعد از آن - بخصوص در آن مواقع حساس - نیروی هوایی چه بر روی آسمان، چه بر روی زمین، چه در داخل صفوف نزدیک به صفوف مقدم، چه در پشت جبهه ها و چه در داخل پایگاهها، حامل افتخار بود. هزاران ساعت پرواز افتخارآمیز در پرونده نیروی هوایی ثبت است. ساخت وسایل زمینی - رادارها و وسایل هدایت شونده زمینی - و به کارگیری بسیار دشوار و پیچیده آنها جزو افتخارات نیروی هوایی است، که شهید ستاری قبل از آن که فرمانده نیروی هوایی شود، یکی از قهرمانهای این میدان بود. او و بسیاری دیگر که امروز در بین شما هستند و من آنها را می شناسم، از همان زمان و بعد از آن زمان، در داخل جبهه ها لحظه به لحظه مشغول تحرک و فعالیت جانکاه، اما شیرین برای يك انسان متعهد بودند. این افتخارات هم در پرونده نیروی هوایی ما هست، اما آن کار نیروی هوایی در ابتدای انقلاب، افتخاری جداگانه است؛ افتخاری نه از شیوه معمول افتخارات نیروهای نظامی، بلکه افتخار به وسیله يك حرکت عظیم انقلابی. آن جوانها - که شاید بعضی از آنها امروز در بین همین جمعیت باشند - به مرکز اقامتگاه امام - که من خودم آن جا بودم - آمدند. اینها سلاح و تجهیزات نظامی نداشتند؛ اما جان خودشان را کف دست گرفته و آمده بودند. برای این که اشتباه نشود، کارتهای شناسایی خودشان را در خیابان ایران سر دست گرفته بودند و جلو می آمدند. این حرکت، حرکت بزرگی بود. چه عاملی این حرکتها را به وجود می آورد؟

اول، احساس تعهد است؛ نقطه مقابل ولنگاری، بی تعهدی و وادادگی. يك انسان زنده در هر جا که هست - چه در مسؤولیت بالایی در فلان سازمان یا فلان نیرو یا در هر نقطه دیگر و چه در بدنه - باید احساس کند که بر دوش او يك تکلیف بزرگ هست که باید آن را به انجام برساند.

دوم، موقع شناسی است. اگر نیروی هوایی می خواست همین کار را فرضاً ده روز بعد انجام دهد، دیگر این ارزش را نداشت. ده روز بعد مسأله ای نبود که نیروی هوایی بخواهد به آن جا بیاید و اعلام حضور کند؛ وقتش همان موقع بود.

سوم، دشمن شناسی است. همه کارهای ما، يك نوع مبارزه است. زندگی، میدان مبارزه است. شما در خانه خودتان هم که نشسته باشید، مجبورید چالشی را بر خودتان تحمیل کنید تا بتوانید تنفس کنید و ادامه حیات دهید. مبارزه ها فرق می کند؛ کوچک و بزرگش فرق می کند؛ شخصی و عمومی اش فرق می کند؛ جهتگیری انسانی و ضدانسانی اش فرق می کند؛ همه در حال مبارزه اند. این که گفته اند «اتما الحیة عقیده و جهاد»، يك واقعیت

است. انسان راهی را انتخاب می کند و در آن راه مشغول چالش و مبارزه می شود. زندگی این است. این مبارزه علیه کیست؟ فلش این مبارزه را به سمت چه کسی باید قرار داد و جهت مبارزه کدام است؟ یعنی در این مبارزه، عبارت اُخرای این که دشمن کیست مهم است. این عنصر سوم هم در کار آن روز نیروی هوایی وجود داشت؛ دشمن معلوم بود.

دستگاههای مسلط بر این کشور که با فریب و نیرنگ و فشارهای گوناگون، با ادامه سلطه ظالمانه رژیم طاغوت نتوانسته بودند کاری انجام دهند و همه چیز از دستشان در رفته بود، یک راه بیشتر نداشتند و آن، کودتای نظامی بود. ژنرال امریکایی را به ایران فرستادند تا زمینه کودتای نظامی را بررسی کند. اگر قرار بود این کودتای نظامی انجام گیرد، به وسیله چه کسانی انجام می گرفت؟ به وسیله سران خود فروخته و خائنی که در نیروهای مسلح آن روز جا گرفته بودند. پس در واقع چه کسی می توانست دشمن این ملت و دین و انقلاب و این حرکت عظیم باشد؟ همان بدنه مسلحی که آنها غصبش کرده بودند. اما عناصر مؤمن نیروی هوایی دشمن را شناختند. از درون حصار نیروهای مسلح، انسانهای پاک، خوب، با اخلاص، مسلمان، مؤمن و متعهد، خواستند این تهمت و ننگ را به خود آنها برگردانند. حرکت نیروی هوایی ما در آن روز، دشمن شناسی آنها را نشان می داد.

آیا امروز هم این سه عنصر مهم است یا نه؟ آیا امروز هم احساس تعهد مهم است یا نه؟ آیا آدم ولنگار و بی اعتنای به مسؤولیت و بدون احساس تعهد، ممکن است وجودش اندک فایده ای برای نیروی هوایی، برای ارتش، برای کشور و برای هر مجموعه دیگری - جز خودش - داشته باشد؟ پس، اول، احساس تکلیف است. امروز نیز همان احساس تکلیف برای یکایک ما لازم است.

حال که احساس تکلیف کردیم، می خواهیم کاری کنیم. بنابراین باید موقعیت و فضا و زمینه ها و امکانات را بشناسیم تا بدانیم کدام کار، بهین و برتر است و ما باید آن را انجام دهیم. این مبارزه ی بهینه در برابر کیست؟ دشمن ما کیست؟ ببینید؛ امروز هم هر سه عنصر، اساسی است.

روز نوزدهم بهمن شما پرسنل نیروی هوایی، فراموش شدنی نیست؛ همیشه مهم است و همیشه زنده خواهد ماند. آن دشمنی که جهت این مبارزه باید علیه او باشد، با هر سه نقطه در وجود یکایک افراد در کشور ما مخالف است. جوانهای امروز در نیروی هوایی و در ارتش و در همه نیروهای مسلح و در سراسر کشور و در دستگاههای مختلف، با یک احساس پاک مسؤولیت و تعهد به میدان می آیند. این استعداد ایرانی، این زمینه های فراوان کار، این امکاناتی که امروز در کشور و پای کار وجود دارد، آینده خوبی را نوید می دهد. دشمن چگونه می تواند از پدید آمدن آن آینده جلوگیری کند؟ راه اولش این است که این احساس تعهد را در هر انسان کاری و فعال بمیراند و از بین ببرد؛ احساس تکلیف را به لابلاییگری، بی مبالاتی، ولنگاری و وادادگی تبدیل کند. از راههای مختلف هم وارد می شوند. از راه ترویج شهوات و از راه طعمه های مالی و سایر راهها وارد می شوند و انسانهای متعهد را به یک انسان بی تعهد و بی فایده و خنثی و از دست رفته تبدیل می کنند.

نقطه دوم - یعنی موقع شناسی - نیز همین طور است. بسیاری از این جنجالهای سیاسی و تبلیغات که عمدتاً به وسیله بوقهای اجنبی در داخل کشور ما فضا را آلوده می کنند و آلودگی فرهنگی و آلودگی صوتی معنوی به وجود می آورند، برای این است که موقعیتها شناخته نشود؛ یعنی افراد ندانند که در چه موقعیتی قرار دارند. می بینید که گاهی اوقات جنجالهای سیاسی موسمی به وسیله گروهها و عناصر مختلف و بعضی از دستجات و جناحهای گوناگون سیاسی در کشور راه می افتد. اینها بلندگو هستند. گوینده ها غالباً مربوط به دشمنان آن سوی مرزها هستند که مسأله ای را وسط ذهنیت مردم پرتاب می کنند تا ذهن آنها را مشغول کنند و به دنبال آن، موقع شناسی از بین برود و جایگاه زمانه، نیاز زمانه، موقعیت فعالیت و عمل - این که امروز کشور به چه کاری احتیاج دارد - به دست فراموشی سپرده شود. بسیاری از نقشهای فرهنگی دشمن در این زمینه است.

دشمن شناسی نیز همین طور است. می بینید بعضی کسان ترویج می کنند که ما دشمن خارجی نداریم! انسان از غفلت بعضی افراد تعجب می کند. من به شما عرض کنم، این انقلاب و این کشور و این حرکت عظیم، بزرگترین ضربه را بر منافع چپاولگران و غارتگران بین المللی وارد کرده است. اگر این حرف حقیقت دارد که انقلاب اسلامی و

نظام اسلامی جلو منافع غارتگرانه بیگانگان را در این کشور گرفته است - که حقیقت دارد و راست است - دیگر کدام توضیحی برای اثبات وجود دشمن لازم است؟! معلوم است که دشمن کیست و چه کسی با این نظام مخالف است. اکثر رسانه های دنیا در دست همان غارتگران است. رادیوها و تلویزیونها و مطبوعات و سازمانهای خبررسانی متعلق به آنهاست. غالباً در بیشتر نقاط عالم، جنگ فرهنگی و سیاسی عظیمی را علیه جمهوری اسلامی شروع کرده اند؛ که دنبال این جنگ فرهنگی، جنگ سیاسی همراه با موزیکریهای اقتصادی و فشارهای گوناگون است. اگر کسی این دشمن با این وضوح را نبیند، آیا چنانچه بدخواه نباشد، غافل نیست؟!

من به شما عرض کنم، هر کس امروز سعی کند نقش دشمن را در ذهنهای مردم، بی اهمیت و کوچک جلوه دهد - چه بداند، چه نداند - برای دشمن کار می کند. پس امروز هم این سه عنصر، سه عنصر اساسی است. امروز هم ما به همین سه عنصر احتیاج داریم. شما هم در نیروی هوایی به این سه عنصر احتیاج دارید. نیروی هوایی سرمایه های عظیمی در اختیار دارد؛ هم سرمایه های تجهیزاتی بسیار عظیم و گرانبیامت و هم از آن بالاتر سرمایه های انسانی. در نیروی هوایی، سرمایه های انسانی بسیار ارزنده است. شما باید روزبه روز نیروی هوایی را جلو ببرید. این مطالبی که فرمانده عزیز نیروی هوایی گفتند، در سخن و گزارش، آسان است؛ اما در عمل باید نشان دهید که نیروی هوایی روزبه روز در حال پیشرفت، تحوّل و سیر مثبت است و می تواند این کار را بکند. سازمانهای دیگر هم می توانند این کار را بکنند؛ نیروهای دیگر ارتش هم می توانند این حرکت سریع و عمیق را به وجود بیاورند؛ سپاه پاسداران و همه بخشهای دیگر این کشور هم می توانند با اتکالی به خود، با اراده قوی، با استفاده از امکانات انسانی فراوانی که در کشور ما بحمدالله به وفور وجود دارد و با استفاده از نیروی جوانی که امروز در کشور ما چشم را پُر می کند - اکثر مردم ما جوانها هستند؛ این پدیده بسیار چشمگیر و باارزشی است - روزبه روز ان شاءالله پیشرفتها را بیشتر کنند. ما همه اینها را به برکت خیزش عظیم مردم و این انقلاب بزرگ تاریخی داریم، که همه طبقات ملت ما، بخصوص سازمانهای وابسته به نظام و بالاخص نیروهای مسلح را از حالت رکود، خواب آلودگی، عقب ماندگی، تخدیر و ذلت زیر سلطه بیگانگان بیرون آورد و به آنها عزّت بخشید. بنابراین مردم ایران علی رغم دشمن، بحمدالله قدر این انقلاب را می دانند و امسال که تبلیغات دشمنان علیه ملت ایران، علیه ما، علیه انقلاب و علیه نظام اسلامی از همیشه بیشتر بوده است، به فضل پروردگار خواهید دید که روز بیست و دوم بهمن ملت ایران با حضور خودش مشّت محکمی به دهان دشمنان خواهد زد.

امیدوارم ان شاءالله همه شما مشمول الطاف بی پایان پروردگار و مورد توجه و مشمول ادعیه زاکیه حضرت بقیةالله ارواحنا فداه باشید و خداوند شهدای عزیز نیروی هوایی و دیگر شهیدان عزیز کشورمان را با اولیایشان محشور کند. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته